زکات گندم و جو و خرما و کشمش

زکات گندم و جو و خرما و کشمش

۱۸٦٤ زکات گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می شود که به مقدار نصاب برسند و نصاب آنها ۲۸۸ مَن تبریز و ۴۵ مثقال کم است که ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم می شود.

۱۸٦۵ اگر پیش از دادن زکات از انگور بعد از کشمش شدن و خرما بعد از تمر شدن و جو و گندم بعد از صدق اسم - که زکات آنها واجب شده - خود و عیالاتش بخورند یا مثلا به فقیر بدهد، باید زکات مقداری را که مصرف کرده بدهد.

۱۸٦٦ اگر بعد از آن که زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد مالک آن بمیرد، باید مقدار زکات را از مال او بدهند ولی اگر پیش از واجب شدن زکات بمیرد، هر یک از ورثه که سهم او به اندازه نصاب است باید زکات سهم خود را بدهد.

۱۸٦۷ کسی که از طرف حاکم شرع مامور جمع آوری زکات است موقع خرمن که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و بعد از خشک شدن خرما و انگور می تواند زکات را مطالبه کند و اگر مالک ندهد و چیزی که زکات آن واجب شده از بین برود باید عوض آن را بدهد.

۱۸٦۸ اگر بعد از مالک شدن درخت خرما و انگور یا زراعت گندم و جو زکات آنها واجب شود، باید زکات آن را بدهد.

۱۸٦۹ اگر بعد از آن که زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد زراعت و درخت را بفروشد، باید زکات آنها را بدهد.

۱۸۷۰ اگر انسان گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده زکات آن را داده یا شک کند که داده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و اگر بداند که زکات آن را نداده چنانچه حاکم شرع معامله مقداری را که باید از بابت زکات داده شود اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع می تواند مقدار زکات را از خریدار بگیرد و اگر معامله مقدار زکات را اجازه دهد معامله صحیح است و خریدار باید قیمت آن مقدار را به حاکم شرع بدهد و در صورتی که قیمت آن مقدار را به فروشنده داده باشد می تواند از او پس بگیرد.

۱۸۷۱ اگر وزن گندم و جو و خرما و کشمش موقعی که تر است به ۲۸۸ من و ٤۵ مثقال کم برسد و بعد از خشک شدن کمتر از این مقدار شود، زکات آن واجب نیست.

۱۸۷۲ اگر گندم و جو و خرما را پیش از خشک شدن مصرف کند اگر چه خشک آنها به اندازه نصاب باشد زکات آنها واجب نیست ولی اگر احتیاطا زکات آنها را بدهد خیلی پسندیده است.

۱۸۷۳ خرمایی که تازه آن را می خورند و اگر بماند خیلی کم می شود چنانچه مقداری باشد که خشک آن به ۲۸۸ من و ٤۵ مثقال کم برسد، زکات آن واجب است.

۱۸۷٤ گندم و جو و خرما و کشمشی که زکات آنها را داده، اگر چند سال هم نزد او بماند، زکات ندارد.

۱۸۷۵ اگر گندم و جو و خرما و انگور هم از آب باران مشروب شود، و هم از آب دلو و مانند آن استفاده کند، چنانچه طوری باشد که بگویند با دلو آبیاری شده نه باران، زکات آن بیست یک است، واگر بگویند یا آب باران آبیاری شدهزکات آن ده یک است.

۱۸۷٦ اگر گندم و جو و خرما و انگور هم از آب باران مشروب شود و هم از آب دلو و مانند آن استفاده کند، چنانچه طوری باشد که بگویند آبیاری با دلو و مانند آن غلبه داشته زکات آن بیست یک است، و اگر بگویند آبیاری با آب نهر و باران غلبه داشته زکات آن ده یک است بلکه اگر نگویند آب باران و نهر غلبه داشته ولی آبیاری با آب باران و نهر بیشتر از آب دلو و مانند آن باشد بنابر احتیاط زکات آن ده یک می باشد.

۱۸۷۷ اگر شک کند که آبیاری با آب باران شده یا آبیاری به دلو،بیست یک بر او واجب می شود.

۱۸۷۸ اگر گندم و جو و خرما و انگور با آب باران و نهر مشروب شود و به آب دلو و مانند آن محتاج نباشد، ولی با آب دلو هم آبیاری شود و آب دلو به زیاد شدن محصول کمک نکند، زکات آن ده یک است و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود و به آب نهر و باران محتاج نباشد، ولی با آب نهر و باران هم مشروب شود و آنها به زیاد شدن محصول کمک نکنند زکات آن بیست یک است.

۱۸۷۹ اگر زراعتی را با دلو و مانند آن آبیاری کنند، و در زمینی که پهلوی آن است زراعتی کنند که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و محتاج به آبیاری نشود زکات زراعتی که با دلو آبیاری شده بیست یک و زکات زراعتی که پهلوی آن است ده یک می باشد.

۱۸۸۰ مخارجی را که برای گندم و جو و خرما و انگور کرده است حتی مقداری از قیمت اسباب و لباس را که به واسطه زراعت کم شده می تواند از حاصل کسر کند، و چنانچه پیش از کم کردن اینها به ۲۸۸ من و ٤٥ مثقال کم برسد، باید زکات باقی مانده آن را بدهد.

۱۸۸۱ قیمت وقتی که تخم را برای زراعت پاشیده می تواند، جزو مخارج حساب نماید.

۱۸۸۲ اگر زمین و اسباب زراعت یا یکی از این دو، ملک خود او باشد،نباید کرایه آنها را جزء مخارج حساب کند و نیز برای کارهایی که خودش کرده یا دیگری بی اجرت انجام داده چیزی از حاصل کسر نمی شود.

۱۸۸۳ اگر درخت انگور یا خرما را بخرد قیمت آن جزء مخارج نیست، ولی اگر خرما یا انگور را پیش از چیدن بخرد، پولی را که برای آن داده جزء مخارج حساب می شود.

۱۸۸٤ اگر زمینی را بخرد و در آن زمین گندم یا جو بکارد پولی را که برای خرید زمین داده جزء مخارج حساب نمی شود ولی اگر زراعت را بخرد، پولی را که برای خرید آن داده می تواند جزو مخارج حساب نماید و از حاصل کم کند اما باید قیمت کاهی را که از آن بدست می آید، از پولی که برای خرید زراعت داده کسر نماید مثلا اگر زراعتی را پانصد تومان بخرد و قیمت کاه آن صد تومان باشد فقط چهارصد تومان آن را می تواند جزو مخارج حساب نماید.

۱۸۸۵ کسی که بدون گاو و چیزهای دیگر که برای زراعت لازم است می تواند زراعت کند، اگر اینها را بخرد، نباید پولی را که برای خرید اینها داده جزو مخارج حساب نماید.

۱۸۸٦ کسی که بدون گاو و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است، نمی تواند زراعت کند، اگر آنها را بخرد و به واسطه زراعت به کلی از بین بروند می تواند تمام قیمت آنها را جزو مخارج حساب نماید. و اگر مقداری از قیمت آنها کم شود می تواند آن مقدار را جزو مخارج حساب کند ولی اگر بعد از زراعت چیزی از قیمتشان کم نشود، نباید چیزی از قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید.

۱۸۸۷ اگر در یک زمین جو و گندم و چیزی مثل برنج و لوبیا که زکات آن واجب نیست، بکارد خرجهای که برای هر کدام آنها کرده، فقط پای همان حساب می شود، ولی اگر برای هر دو مخارجی کرده باید به هر دو قسمت نماید، مثلا اگر هر دو به یک اندازه بوده، می تواند نصف مخارج را از جنسی که زکات دارد کسر نماید.

۱۸۸۸ اگر برای سال اول عملی مانند شخم زدن انجام دهد اگر چه برای سالهای بعد هم فایده داشته باشد، باید مخارج آن را از سال اول کسر کند. ولی اگر برای چند سال عمل کند، باید بین آنها تقسیم نماید.

۱۸۸۹ اگر انسان در چند شهر که فصل آنها با یکدیگر اختلاف دارد و زراعت و میوه آنها در یک وقت به دست نمی آید گندم یا جو یا خرما یا انگور داشته باشد و همه آنها محصول یک سال حساب شود چنانچه چیزی که اول می رسد به اندازه نصاب یعنی ۲۸۸ من و ٤٥ مثقال کم باشد باید زکات آن را موقعی که می رسد بدهد و زکات بقیه را هر وقت به دست می آید ادا نماید و اگر آنچه اول می رسد به اندازه نصاب نباشد، صبر می کند تا بقیه آن برسد پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود، زکات آن واجب است و اگر به مقدار نصاب نشود زکات آن واجب نیست.

۱۸۹۰ اگر درخت خرما یا انگور در یک سال دو مرتبه میوه دهد چنانچه روی هم به مقدار نصاب باشد بنابر احتیاط زکات آن واجب است.

۱۸۹۱ اگر مقداری خرما یا انگور تازه دارد که خشک آن به اندازه نصاب می شود چنانچه به قصد زکات از تازه آن بقدری به مستحق بدهد که اگر خشک شود به اندازه زکاتی باشد که بر او واجب است اشکال ندارد.

۱۸۹۲ اگر زکات خرمای خشک یا کشمش بر او واجب باشد نمی تواند زکات آن را خرمای تازه یا انگور بدهد و نیز اگر زکات خرمای تازه یا انگور بر او واجب باشد نمی تواند زکات آن را خرمای خشک یا کشمش بدهد اما اگر یکی از اینها یا چیز دیگری را به قصد قیمت زکات بدهد مانعی ندارد.

۱۸۹۳ کسی که بدهکار است و مالی هم دارد که زکات آن واجب شده اگر بمیرد باید اول تمام زکات را از مالی که زکات آن واجب شده بدهند بعد قرض او را ادا نمایند.

۱۸۹٤ کسی که بدهکار است و گندم یا جو یا خرما یا انگور هم دارد اگر بمیرد و پیش از آن که زکات اینها واجب شود ورثه قرض او را از مال دیگر بدهند،هر کدام که سهمشان به ۲۸۸ من و ٤٥ مثقال کم برسد باید زکات بدهد و اگر پیش از آن که زکات اینها واجب شود قرض او را ندهند چنانچه مال میت فقط به اندازه بدهی او باشد واجب نیست زکات اینها را بدهند و اگر مال میت بیشتراز بدهی او باشد در صورتی که بدهی او بقدری است که اگر بخواهند ادا نمایند

باید مقداری از گندم و جو و خرما و انگور را هم به طلبکار بدهند، آنچه را به طلبکار می دهند زکات ندارد و بقیه مال ورثه است و هر کدام آنان که سهمش به اندازه نصاب شود باید زکات آن را بدهد.

۱۸۹۵ اگر گندم و جو و خرما و کشمشی که زکات آنها واجب شده خوب و بد دارد باید زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آنها بدهد و یا زکات همه را از خوب و بد بدهد و به احتیاط واجب زکات همه را از بد نمی تواند بدهد.